لا یکمل
ایمان
امری حتی
یحب من
احب الله و
یبغض من
ابغض الله

ایمان هیچ کس کامل نمی‌شود مگر هر که را خدا دوست دارد، دوست داشته باشد و آن که را خدا دشمن دارد، دشمن داشته باشد.

تازه‌های نشر

کتاب «فروغ ابدیت» به چاپ سی و نهم رسید

چاپ سی و نهم کتاب «فروغ ابدیت» اثر مرجع عالیقدر آیت‌الله جعفر سبحانی به همت مؤسسه بوستان کتاب روانه بازار نشر شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران(ایبنا)، چاپ سی‌ونهم «فروغ ابدیت» که به تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم(ص) به قلم مرجع عالیقدر آیت‌الله جعفر سبحانی می‌پردازد در ۸۲۴ صفحه منتشر شد.

سیره پیامبر اکرم(ص) الهام‌بخش فقیهان در استنباط احکام شرعی، سرمشق زندگی برای مؤمنان و پیروان، ترسیم‌کننده خطوط سیاسی کلی برای سیاستمداران و بیانگر اصول و ارزش‌های اخلاقی برای سالکان است، ولی مایه تأسف اینکه بیشترین کار، روی نقل تاریخ و سیره انجام و کمتر به تحلیل آن پرداخته شده تا هر فردی به فراخور حال خود از آن بهره گیرد. در ابتدای این اثر، پس از بیان توضیحاتی در خصوص شبه‌جزیره عربستان یا گهواره تمدن اسلامی، به عرب پیش از اسلام پرداخته شده و ضمن بیان مبحثی در زمینه اخلاق عمومی عرب، طرز تفکر اعراب این دوره درباره انسان پس از مرگ، موقعیت زن در میان اعراب، سلحشوری اعراب، اخلاق عمومی عرب جاهلی، خرافات و افسانه‌پرستی نزد عرب، اوضاع اجتماعی عربستان در آستانه ظهور اسلام، آیین رایج در حجاز و... تشریح شده است.

سپس اوضاع روم و ایران تبیین شده و بحث‌های موسمی در روم ارائه و وضع عمومی ایران مقارن ظهور اسلام، پرده‌ای از جنایت خسرو پرویز، داوری تاریخ درباره پادشاهان ساسانی، آشفتگی مذهبی اوضاع ایران ساسانی و جنگ‌های ایران و روم و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در ادامه نیز نیاکان پیامبر اسلام(ص) معرفی شده که در این میان از ابراهیم خلیل(ع)، قصی بن کلاب، عبدمناف، هاشم، عبدالمطلب و عبدالله پدر پیامبر نام برده شده است. از دیگر مباحث این اثر می‌توان به میلاد پیامبر پرداخت و در این بخش، تاریخ دقیق ولادت پیامبر تبیین و ضمن بیان مبحثی در خصوص دوران حمل، به مراسم نام‌گذاری پیامبر اسلام و دوران شیرخوارگی و کودکی اشاره شده است.

دوران جوانی یکی دیگر از مباحث این اثر است که در این قسمت به قدرت روحی پیامبر اکرم(ص)، جنگ‌های فجار و پیمان جوانمردان پرداخته شده است. در بخش دیگر اثر که با عنوان «از شبانی تا تجارت» تألیف شده، به ازدواج آن حضرت با حضرت خدیجه و علل ظاهری و باطنی این ازدواج و همچنین کیفیت خواستگاری خدیجه و سن ایشان اشاره شده است.

در بخش «دعوت سرّی»، دعوت خویشاوندان و شیوه این دعوت عنوان شده است. «دعوت عمومی» عنوان مبحث دیگری است که در این بخش، به استقامت و شکیبایی پیامبر در دعوت پرداخته شده است.

در قسمت دیگر این کتاب، به «داوری قریش درباره قرآن» توجه شده و در ادامه بهانه‌گیری‌های عجیب قریش، انگیزه سرکشی سران قریش، قرآن و نزول تدریجی، اسرار نزول تدریجی قرآن و... تبیین شده است. سپس به نخستین هجرت پیامبر اشاره شده و در این راستا مباحثی از جمله قریش به دربار حبشه نماینده می‌فرستد، بازگشت از حبشه، هیئت تحقیقی مسیحیان وارد مکه می‌شود و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

«محاصره اقتصادی» عنوان بخش دیگری از این اثر است که اعلامیه قریش و وضع رقت‌بار بنی‌هاشم در شعب از مباحث آن است. «معراج» عنوان بخش دیگری از این کتاب است که در آن، معراج از نظر قرآن و حدیث و تاریخ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

نکته‌ها

آیت‌الله مجتبی تهرانی

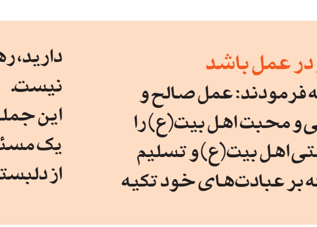

محبت اهل بیت(ع) باید در دل و در عمل باشد

روایت از امام هشتم(ع) منقول است که فرمودند: عمل صالح و کوشش در عبادت را برای اینکه دوستی و محبت اهل بیت(ع) را در دل دارید، رها نکنید و محبت و دوستی اهل بیت(ع) و تسلیم دستورهای آنان بودن را به خاطر اینکه بر عبادت‌های خود تکیه دارید، رها نکنید؛ چون هیچ یک از این دو بدون دیگری پذیرفته نیست.

این جمله، جمله تعلیلی است. امام هشتم(ع) دو چیز را می‌فرماید: یک مسئله امر درونی و دیگری امر بیرونی است. امر درونی، عبارت از دلبستگی به اهل بیت(ع) است. عمل شایسته و عبادت، امر بیرونی است. می‌فرماید این‌گونه نشود که این دو جدای از یکدیگر باشند؛ اگر جدا از یکدیگر شوند، هیچ کدامشان پذیرفته نیست، این خیلی مهم است! اگر درونی باشد اما بیرونی نباشد؛ آن درونیِ کارسازی ندارد. حضرت می‌فرماید: «فَإِنَّهُ لَا یُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ»؛ این جور نیست که یکی از این‌ها پذیرفته شود و آن یکی نشود؛ این‌ها توأمانند. توجه کنید! این‌ها با هم هستند، باید با هر دو این‌ها باشد. انسان از نظر درونی‌اش هم حب اهل بیت(ع) را در دل داشته باشد و هم از نظر بیرونی‌اش کوشش کند عمل صالح انجام دهد، عبادت کند، اطاعت الهی را انجام دهد؛ جداسازی کارسازی ندارد. امام هشتم(ع) این را دارد می‌گوید. انسان نباید به صرف اینکه حب اهل بیت(ع) در دلش هست نعوذبالله... [عمل صالح را رها کند] اما یک نکته‌ای را بگویم، اصلاً این بحث خودش جداست؛ آن حبی به درد آدم می‌خورد که سازنده باشد، نه آن حبی که نقش تخریبی داشته باشد. این اتکال است! حضرت تعبیر به «اتّکالاً» می‌کند. تکیه‌گاهت آن است، وقتی تکیه‌گاهت آن است از یکی دیگر منصرف می‌شوی؛ هر دو تا «اتّکالاً» دارد، هم درباره حب، اتکال دارد، هم درباره عمل. این را بدان اگر واقعاً تکیه‌گاهت فقط محبت باشد این محبت، کارسازی برای تو ندارد و نقش سازندگی هم ندارد. اگر تکیه‌گاهت بخواهد اعمالت باشد، اعمال صالحت باشد، عباداتت باشد، این هم برایت کارسازی ندارد. «لَا یُقْبَلُ»؛ یعنی سازندگی. پذیرش یعنی سازندگی. توجه کنید. بنابراین انسان باید هم حب اهل بیت(ع) در دل داشته باشد و هم تسلیم به امر باشد. تعبیر می‌کند: «وَ التَّسْلِیمَ لِأَمْرِهِمْ»؛ یعنی حب با عمل؛ عملی که آن‌ها دستور دادند؛ نکته‌اش هم اینجاست. خودسرانه نه، هرچه آن‌ها فرمودند طبق آن عمل کردن.

نیم نگاه

روایت‌هایی از سفر زیارتی به مشهد در یک قرن پیش

زیارت امام رضا علیه‌السلام در عهد قاجار

قدیم‌ها که امکانات کم بود و سفر دشوار و راه طولانی، ایرانی‌ها چگونه به پابوس امام رضا(ع) می‌رفتند؟ با امکانات کم و با دشواری زیاد و در راهی طولانی می‌رفتند و از تهران، پیاده یک‌ماه طول می‌کشید و سواره ۱۰ روز.

به گزارش فارس، وضعیت در دوره قاجار این‌گونه بود که «ادوارد پولاک» نوشته است: «پس از کربلا، مشهد زیارتگاهی است که مورد توجه همه شیعیان قرار می‌گیرد» و «ارنست اورسل» نوشته: «امام رضا(ع) یکی از مقدسان ملی ایرانیان است که مقبره‌اش همه‌ساله از سوی هزاران نفر زیارت می‌شود» و «کلود آنه» فرانسوی در کتاب «اوراق ایرانی» نوشته: «این امام از بازماندگان واقعی و برحق پیامبر است که خائنانه در مشهد مسموم و شهید شده و در مسجد این شهر به خواب ابدی فرو رفته است. هر ایرانی واقعی باید مشهدی باشد».

در گذشته که سفر مشهد طولانی بود و خطرها داشت شروع سفر این‌گونه بود: «هر مسافری که قصد سفر به مشهد را می‌کرد جارچی و اهالی محل برای بدرقه‌اش هم‌قدم می‌شدند و برایش آش پشت پا می‌پختند. زمانی هم که از مشهد برمی‌گشت برایش قربانی می‌کردند، ولیمه می‌دادند و عبارت مشهدی را هم پیشوند اسمش می‌کردند».

سفر هم معمولاً با کاروان‌های زیارتی و تجارتی انجام می‌شد و این‌گونه بود: «اغلب سفرها به‌صورت گروهی و با سرعت کم به‌همراه کاروان‌های تجارتی یا کاروان‌های مسافرتی که توسط چاروادارها هدایت می‌شد، انجام می‌گرفت. سفر در روز انجام می‌شد و هر روز معمولاً یک منزل یا ۶ فرسخ معادل ۳۶ کیلومتر راه طی می‌شد و شب را در مکانی استراحت می‌کردند و روزهای بعد سفر را به همین ترتیب ادامه می‌دادند تا به مقصد برسند... در این سفرها از کجاوه یا محمل و حیواناتی نظیر شتر، اسب یا الاغ به‌عنوان وسیله حمل‌ونقل استفاده می‌کردند...

سفر دسته‌جمعی مزایای زیادی برای مسافران داشته است، از جمله اینکه در مقابل دزدها و راهزن‌ها بهتر می‌توانستند از خود دفاع کنند، در مشکلات می‌توانستند به هم کمک کنند، در بیماری‌ها مراقب هم بودند، در تهیه خوراک به هم کمک می‌کردند و هزینه‌های سفر را بین خود تقسیم می‌کردند. در طول سفر نیز دوست و مونس هم بودند... عده‌ای اسب و الاغ و قاطر خودشان را داشتند، برخی از مسافران آن‌ها را اجاره می‌کردند یا قافله‌دار در اختیار آن‌ها می‌گذاشت و عده دیگر با کجاوه و تخت روان همراه قافله می‌شدند. این قافله‌ها را قافله‌داری به نام حمله‌دار، هدایت و سرپرستی می‌کرد. برخی از مسافران بدون زاد و توشه سفر می‌کردند و تنها لنگی به همراه داشتند که یا زیرشان می‌انداختند یا به‌عنوان بالاپوش از آن استفاده می‌کردند. سایر اعضای کاروان به این همسفران کمک می‌کردند...

در موقع حرکت که معمولاً ساعت ۳ یا ۴ صبح بوده قاطرها و شترها را بار می‌کردند. از صدای زنگوله حیوانات، مسافران هم بیدار می‌شدند و خود را برای رفتن آماده می‌کردند».

روش دیگر سفر این بود که زائران خودشان می‌رفتند و سفرشان عمومی نبود و خصوصی بود: «یک خانواده یا چند نفر، پس از اینکه اسب و اثاث مختصری تهیه می‌کردند با یک چاروادار قرارداد می‌بستند تا آن‌ها را هدایت کند. در واقع کاروان‌هایی خصوصی تشکیل می‌دادند و سفرشان آزادانه‌تر و بی‌قید و شرط بود. یکی از مزیت‌های این نوع سفر، آزادی عمل از نظر زمان حرکت، سرعت حرکت، انتخاب مسیر و مقدار راهی بود که گروه باید در یک روز طی می‌کرد».

■ **زیارت به روایت ناصرالدین شاه قاجار**

از سفر خراسان در ایام قدیم سفرنامه‌هایی نیز مانده که اهل ذوق نوشته‌اند و از همه جالب‌تر سفرنامه ناصرالدین قاجار است و تشبیه زیبایی که از حرم دارد. این هم بخشی از سفرنامه ناصرالدین شاه از زیارت حرم رضوی که خودش شرح‌حالی است از ایران دوران قاجار و وضعیت حرم رضوی:

«سوار کالسکه شده راندیم رو به شهر. یک فرسنگ و نیم راه بود الی شهر، نیم فرسنگ هم الی حرم مبارک. دو فرسنگ راه می‌شد... راندیم به باغات رسیدیم. به کاروانسرای باباقدرت رسیدیم. جمعیت پیشوازی از هرجور خیلی بود. مردم مشهد هزار جور بودند، از هر طایفه. خلاصه نزدیک شهر سوار اسب شده، با سپه‌سالار صحبت‌کنان می‌راندیم. از دروازه پایین خیابان وارد شدیم... خیلی راه راست راندیم تا رسیدیم دم بست، آنجا پیاده شده، علم‌های حضرت را آوردند. بوسیدیم. زیر نقاره‌خانه حضرت که بسیار مرتفع و بنای عالی است، جقّه را برداشته، کلاه متعارفی سر گذاشته داخل صحن شدیم؛ یعنی داخل بهشت شدیم. از آنجا اتاق به اتاق، صحن به صحن، تا وارد ضریح مبارکه شدیم. همه نوکرها بودند. حالتی دست داد که به وصف نمی‌آید. ان‌شاءالله نصیب همه مسلمین...».

اهتمام سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی به جمع آوری تاریخ شفاهی دفاع مقدس

روایت‌هایی از لشکر ۷۷ خراسان تا بازسازی هویزه

محمدحسین مروج

گزیده

بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در خصوص تاریخ شفاهی دفاع مقدس برای پرهیز از موازی‌کاری و انجام کار تکراری، بیشتر در موضوعات محلی و خاصی که کمتر مورد توجه بوده، ورود پیدا کرد. تاریخ شفاهی «آزادگان، جانبازان و ایثارگران» با محوریت آزادگان، بازسازی هویزه و لشکر ۷۷ خراسان از این گونه‌اند.

«محمد نظرزاده» کارشناس مسئول بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و کارشناس ارشد رشته تاریخ تشیع معتقد است بحث تاریخ شفاهی به عنوان ابزار مهمی برای مستندات جنگ، از دوران پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. بسیاری از جنگ‌های مهمی که در دنیا صورت گرفته‌اند، توسط تاریخ شفاهی مستند شده‌اند. شاید اگر هم‌اکنون اسناد مکتوب و عکس‌های آرشیوهای جنگ را بررسی کنید، بتوان گفت سومین منبع در حوزه بررسی تاریخ جنگ، تاریخ شفاهی بوده است و منابع آن هم در دسترس قرار گرفته‌اند. در ادامه به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس با ایشان گفت‌وگویی داشته‌ایم که می‌خوانید.

■ **چرا تاریخ شفاهی جنگ مهم است؟**

تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری بحثی است که از دیرباز در کشور ما مورد توجه قرار داشته است. تمسک به تاریخ شفاهی بحث جدیدی نیست و مسلمانان در این زمینه ید طولایی دارند. تردیدی نیست که تاریخ شفاهی یکی از راه‌های مهم جمع‌آوری اطلاعات خام برای تدوین و تحلیل تاریخ است که با توجه به‌شدت و ضعف اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع دیگر می‌تواند اهمیت آن بیشتر یا کمتر شود یعنی هر چه اطلاعات ما نسبت به مسائل دیگر کمتر باشد تاریخ شفاهی اهمیت بیشتری می‌یابد.

تاریخ شفاهی راهی به سوی همگانی کردن تاریخ است. در مناسبات گسترده اجتماعی مانند جنگ‌ها، انقلاب‌ها، درگیری‌ها، اغتشاشات و... تاریخ شفاهی بیشترین کاربرد را دارد. در این روش با انجام مصاحبه با تمامی لایه‌های دخیل در حوادث، وقایع از جهات مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد. چون در جنگ‌ها بیشتر اقشار و گروه‌های یک کشور مانند نظامیان، کارگران، کارمندان و پزشکان و دیگر افراد جامعه حضور دارند، تاریخ شفاهی جنگ در حقیقت مستندسازی و بازسازی روایت‌های تمامی گروه‌های مردم درباره جنگ است. به قول یکی از نویسندگان و پژوهشگران حوزه خاطره‌نویسی دوران دفاع مقدس، فرضیه‌ای وجود دارد که مقبول بسیاری از اندیشمندان است به این مضمون: «ما به عدد رزمندگانی که در جنگ حضور داشتند، می‌توانیم دریچه‌ای به حوادث آن دوران باز کنیم». با استناد به همین فرضیه، اهمیت بازگو کردن خاطرات شخصی رزمندگان برای ما روشن می‌شود. اگر نگاهی به کتاب‌های منتشره از خاطرات رزمندگان در چند سال گذشته داشته باشیم، در می‌یابیم این کتاب‌ها چگونه توانسته‌اند موج مثبتی را در جامعه ایجاد کنند. در سال‌های اخیر تعدادی از این کتاب‌ها حتی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب هم گوی سبقت را از دیگر کتاب‌ها ربودند؛ این یعنی انتشار یک فرهنگ پویا و کارآمد در جامعه. این حداقل اهمیت و اثر تدوین خاطرات جنگ رزمندگان است؛ این، گوشه‌ای از اهمیت تاریخ شفاهی جنگ و دوران دفاع مقدس است.

■ **چه شد که آستان قدس رضوی به مقوله تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس ورود پیدا کرد؟**

جنگ ایران و عراق طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷ به مدت هشت سال طول کشید. با توجه به حمایت کشورهای قدرتمند جهان از عراق و مقاومت رزمندگان در مقابل جهانیان، توجه بیشتر مردم جهان به این جنگ بود. ضرورت بررسی ابعاد مختلف تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس منجر به تأسیس مراکزی برای بررسی تاریخ شفاهی جنگ شد.

بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی نیز از ابتدای تأسیس در اواخر سال ۱۳۷۷ تاکنون با هدف ثبت و ضبط اطلاعات، دانسته‌ها و داشته‌های افراد در خصوص تاریخ شفاهی دفاع مقدس، انجام مصاحبه با این اشخاص را در دستور کار خود قرار داد. برای پرهیز از موازی‌کاری و انجام کار تکراری با دیگر مراکز مشابه، این آرشیو بیشتر در موضوعات محلی و خاصی که کمتر مورد توجه بوده، ورود پیدا کرد. تاریخ شفاهی «آزادگان، جانبازان و ایثارگران» با محوریت آزادگان، بازسازی هویزه و لشکر ۷۷ خراسان از این گونه‌اند.

همچنین با توجه به اهمیت و نقش اسرا، مجروحان و رزمندگان در جنگ ایران و عراق و در دسترس بودن افراد برای مصاحبه و تازه بودن این موضوع، بخش تاریخ شفاهی مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی برای ضبط و ثبت و حفظ خاطرات این افراد، پروژه تاریخ شفاهی «آزادگان، جانبازان و ایثارگران» را با محوریت و تکیه بر تاریخ شفاهی آزادگان در دستور کار خود قرار داد.

در انجام پروژه تاریخ شفاهی آزادگان، جانبازان و ایثارگران دوران دفاع مقدس، از خرداد ۱۳۸۲ تا اسفند ۱۳۸۳ به مدت ۱۸ ماه با ۱۵۹ نفر ۸۲۰ جلسه درمجموع به مدت ۲۱۰ ساعت مصاحبه حضوری انجام شد.

■ **به جمع‌آوری تاریخ شفاهی در خصوص بازسازی هویزه توسط آستان قدس رضوی اشاره کردید؛ آستان در این زمینه چه کرده است؟**

یکی دیگر از مواردی که در پروژه تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس توسط آستان قدس رضوی به آن پرداخته شده توجه به بازسازی مناطق جنگی است. امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی همواره به بازسازی مناطق جنگ‌زده تأکید داشتند. ایشان در سخنانی به این موضوع اشاره کرده و فرمودند: «و من امیدوارم که به‌زودی ان‌شاءالله این جنگ تمام بشود و این خرابی‌هایی که به دست کفار بر ما وارد شده است، به زودی جبران بشود و خانه‌ها بهتر از اول ساخته بشود»؛ در پی این سخنان، بازسازی شهر هویزه توسط آستان قدس رضوی از سال ۱۳۶۱ آغاز و پس از سه سال در سال ۱۳۶۴ پایان یافت.

طرح تاریخ شفاهی «بازسازی هویزه» نیز نگاهی جدید به مقوله تاریخ شفاهی جنگ است، چرا که بحث بازسازی تاکنون در حاشیه بوده و کمتر به این موضوع پرداخته شده است. برای آستان قدس رضوی که پیشگام در امر بازسازی مناطق جنگ‌زده بوده ضبط و ثبت این خاطرات مهم، بخشی از تاریخ جنگ تحمیلی محسوب می‌شود. بنابراین با ثبت خاطرات بازسازی هویزه از زبان دست‌اندرکاران در این پروژه، به‌خصوص به مشکلات بازسازی در سال ۱۳۶۱ پرداخته شده است. در کنار مصاحبه‌های انجام شده در این زمینه نیز بخش عظیمی از اسناد و عکس‌های هویزه می‌تواند سند گویایی از خدمات آستان قدس رضوی در منطقه هویزه باشد. در این پروژه با ۷۷ نفر در ۸۱ جلسه درمجموع ۹۰ ساعت مصاحبه انجام شده است.

■ **چرا در انجام پروژه تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس به سراغ لشکر ۷۷ خراسان رفتید؟**

سرزمین پهناور خراسان از دیرباز همواره در معرض تهاجم اقوام و گروه‌های متعدد از خاورزمین قرار داشته و بنابراین لشکر نظامی مستقر در خراسان نیز از مهم‌ترین شاکله‌های نظامی شرق کشور بوده است. نخستین مرتبه در زمان ناصرالدین شاه قاجار بود که قزاقخانه مشهد در سال ۱۲۷۰ خورشیدی شکل گرفت. بعدها در سال ۱۳۰۰ خورشیدی به دستور رضاشاه این لشکر در قالب ارتش نوین با عنوان لشکر ششم منطقه شرق کشور به فرماندهی سرتیپ حسین آقاخان خزاعی در خراسان ایجاد شد. این لشکر در شکل‌گیری بسیاری از وقایع تاریخی معاصر خراسان و حتی کشور ازجمله «واقعه مسجدگوهرشاد»، «اشغال خراسان در شهریور ۱۳۲۰»، «وقایع خرداد ۱۳۴۲»، «حضور در عملیات‌های برون مرزی از سوی سازمان ملل متحد»، «حوادث انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷» و... نقش مستقیم و غیرمستقیم داشته و به قول یک روایت قدیمی، فرماندهی لشکر خراسان مثلث قدرت را در کنار استاندار خراسان و نائب‌التولیه آستان قدس رضوی برعهده داشته است. نقش مؤثر این لشکر در وقایع پس از انقلاب، با حضور در مناطق آشوب‌زده گنبدکاووس، کردستان و سپس دوران هشت سال دفاع مقدس و مقابله با عراق نیز تداوم پیدا کرد.

این تاریخچه و نیازی که از دیرباز به مرور درزمینه اقدامات و خدمات این لشکر در تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی احساس می‌شد و به‌ویژه کمبود اطلاعاتی که در این خصوص در بخش تاریخ شفاهی از این یگان نظامی منطقه شرق کشور وجود داشت، انگیزه اصلی در انتخاب طرحی مناسب برای انجام پروژه تاریخ شفاهی از لشکر ۷۷ خراسان بود.

تفکر انجام پروژه «تاریخ شفاهی لشکر خراسان» از اوایل خرداد ۱۳۹۲ همزمان با سالگرد سوم خرداد و در روز آزادسازی خرمشهر در محل دفتر معارف جنگ (باشگاه افسران سابق) واقع در مشهد مقدس، خیابان امام خمینی(ره)، مهمانسرای حضرت جوادالائمه(ع) لشکر ۷۷ پیروز ثامن‌الائمه(ع) شکل گرفت که یکی از محورهای اصلی این مصاحبه‌ها نقش لشکر ۷۷ خراسان و سایر یگان‌های نظامی در دوران دفاع مقدس بود. بیشتر این جلسه‌های مصاحبه نیز در همین مکان برگزار شد. دو تا سه روز از ایام هفته، بازنشستگان و پیشکسوتان لشکر ۷۷ خراسان، در این مکان خاطرات خود را از جنگ ایران و عراق با ما در میان می‌گذاشتند. همزمان بازنشسته از هر جای شهر و استان و گاهی از دیگر شهرهای کشور که برای زیارت به مشهد مقدس آمده بودند، دور هم جمع می‌شدند و به مرور خاطرات جنگ می‌پرداختند و بقیه وقت خود را صرف حضور در جمع دوستانه می‌کردند. جمعی که باب خاطرات و خطرات خود را با ما نیز باز کردند. خاطراتی که هیچ‌گاه یا شنیده و یا از زاویه دید یک فرد نظامی و ارتشی حاضر در میدان جنگ تا به حال نگریسته نشده بود.

بررسی مواردی همچون جنگ نظامی، شرح عملیات‌های ثامن‌الائمه(ع) (شکست حصر آبادان)، فتح‌المبین و...، نقاط قوت و ضعف عملکردها و طرح‌ها، نحوه تعامل لشکرهای ارتش با سپاه پاسداران و بسیج، خاطرات تلخ و شیرین جنگ، تألیفات و تحقیقات آنان و... بخشی از موارد مطرح شده در جلسات مصاحبه‌های تاریخ شفاهی بود.

البته در آغاز انجام این پروژه، دایره اجرا و محدوده طرح شامل وقایع دوران رضاشاه و شهریور ۱۳۲۰، قیام افسران خراسان در سال ۱۳۲۳، دوران مصدق و رشد حزب توده و وقایع مهم دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی و جریان‌های نهضت انقلابی و نقش ارتش در آن‌ها و سپس جنگ و دوران دفاع مقدس می‌شد، اما سن و سال مصاحبه‌شوندگان که بیشتر آنان متولدان دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی بودند و محل‌های خدمت آنان نیز متفاوت و خارج از مشهد و استان خراسان بود، سبب شد این گستردگی محدود به اواسط دهه ۴۰ شمسی به بعد و به‌ویژه زمان جنگ و دوران دفاع مقدس شود.

همچنین باید یادآور شوم در انجام این پروژه در مجموع ۸۹۷ ساعت مصاحبه در ۴۹۲ جلسه با ۸۹ نفر انجام شد و در این مدت نیز حدود هزار و ۱۰۰ قطعه عکس و سند تاریخی به صورت اسکن از مصاحبه‌شوندگان دریافت و یک دوره از عملیات‌های ویژه لشکر ۷۷ خراسان مستندسازی شده در مناطق عملیاتی جنوب از مجموعه تولیدات معارف جنگ برای تکمیل پروژه در اختیار تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی قرار گرفت.

■ **در سؤالات بیشتر روی چه محورهایی تمرکز شده بود؟**

تنها چگونگی این رویدادها برایمان مهم نبود، چرایی آن و درک مفهوم این چرایی هم جای بحث داشت. نقطه آغاز هر واقعه، افراد درگیر در جریان‌های خاص، حوادث انقلاب اسلامی و نقشی که برای ارتشیان متصور شده بود، عکس‌العمل‌های خاص در دوران نظامی‌گری و برای وقایع مهم دوران پیش و پس از انقلاب اسلامی، شایعاتی که له یا علیه آنان مطرح بود، امکانات و رفاه و... پرسش‌های مطرح در این پروژه بودند که هر فردی به فراخور خود به آن‌ها پاسخ می‌داد. اگر چه در مورد وقایع انقلاب اسلامی یک نکته در صحبت‌های همه بود و آن اینکه ما به وظیفه‌مان عمل کردیم، همان‌طور که در جنگ و دوران دفاع مقدس هم به وظیفه‌مان عمل کردیم.

بیشتر مصاحبه‌شوندگان در زمان انقلاب اسلامی در نقاط دیگر کشور خدمت می‌کردند و از مشهدمقدس چندان اطلاع نداشتند و یا اگر بودند، خود را چون ناظری بر وقایع و از دور نشان می‌دادند، البته از جمع‌بندی خاطرات متراکم و حضورشان در بقیه نقاط کشور می‌توان به عملکرد کلی ارتش به طور نسبی دست یافت.

نقطه قوت را هم می‌توان در شرح عملیات‌های لشکر ۷۷ خراسان در جنگ به‌ویژه سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ و مهم‌تر مستندسازی دقیق عملیات‌ها، سازمان و تشکیلات دانشکده افسری در دهه ۴۰ شمسی، نحوه حضور مستشاران نظامی در ارتش در این دهه، شناخت برخی چهره‌های شاخص ارتشی در دوران پهلوی، شرایط رفاهی و مادی نظامیان رده متوسط از گذشته تا حال به شمار آورد.

برای تکمیل این پروژه چند نفر از پایگاه پدافند هوایی مشهد هم به افراد مصاحبه‌شونده افزوده شدند. در مجموع ۱۸۰ ساعت مصاحبه با ارتشیان صورت گرفت که حدود ۱۴۰ ساعت آن به صورت تصویری و بقیه صوتی بود و در مکان‌های مختلف مثل دفتر معارف جنگ واقع در مهمانسرای جوادالائمه(ع) ارتش، منزل و دفتر محل کار این بزرگواران و... انجام شد. حدود ۱۰۰ ساعت از مصاحبه‌ها نیز به صورت مستقیم به جنگ و عملیات نیروی زمینی ارتش در دوران دفاع مقدس با استناد به اسناد نظامی و تاریخی، نقشه‌ها و روزنامه‌های همان زمان توسط خود مصاحبه‌شوندگان پرداخته شده است. در این ۱۰ ماه زمان طی شده برای مصاحبه حدود هزار قطعه عکس و سند تاریخی به صورت اسکن از مصاحبه‌شوندگان هم دریافت شد.

همچنین طی چند جلسه تعاملی با اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خراسان رضوی و نمایندگان لشکر ۷۷ خراسان، مرکز پژوهش نیروی انتظامی خراسان رضوی و شهرداری مشهد، طرح تاریخ شفاهی خدام ایثارگر آستان قدس رضوی و نیروی انتظامی در دستورکار تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی قرار گرفت که هم‌اکنون طرح تاریخ شفاهی نیروی انتظامی با معرفی ۸۰ نفر از افراد این نیرو و با محوریت مباحث مربوط به دوران دفاع مقدس، مدت زمانی است که آغاز شده است.

یادداشت

فضیلت زیارت امام رضا علیه‌السلام در آینه روایات

سید رضی واحدی، تولیت حرم حضرت سکینه(س) در سوریه | در خصوص زیارت مضجع مطهر امام رضا(ع) مانند بقیه ائمه بزرگوار شیعه(ع) به آن تأکید فراوانی شده و روایات بسیاری در فضیلت زیارت مرقد امام رضا(ع) نقل شده است.

اباصلت هروی از حضرت رضا(ع) روایت می‌کند: به خدا قسم هیچ یک از ما خانواده نیست مگر اینکه کشته یا شهید می‌شود. پرسیدم: آقا، شما را چه کسی می‌کشد؟ فرمود: شرورترین خلق خدا در زمانم به وسیله سم؛ سپس مرا در دیار غربت دفن می‌کنند. «ألا فمن زارنی فی غربتی کتب الله له أجر مائه ألف شهید و مائه ألف صدیق و مائه ألف حاج معتمر و مائه الف مجاهد و حشر فی زمرتنا و جعل فی الدرجات من الجنة رفیقنا». بدان هر کس مرا در غربتم زیارت کند خداوند ثواب ۱۰۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار صدیق و ۱۰۰ هزار حاجی و عمره‌گزار و ۱۰۰ هزار مجاهد می‌دهد و با ما محشور می‌شود و در درجات عالی بهشت رفیق ماست.

امام جواد(ع) فرمودند: «من ضامن بهشت برای کسی هستم که قبر پدرم را در توس زیارت کند و حق او را بشناسد». (عیون اخبارالرضا، ج۲، ص۲۵۶)

امام هادی(ع) می‌فرمایند: «هر کس حاجتی دارد، باید به زیارت مرقد جدم، علی بن موسی الرضا(ع) در توس بشتابد. او باید با غسل به زیارت رود و دو رکعت نماز نزد سر آن حضرت (بالای سر) بخواند و در قنوت حاجت خود را بخواهد. همانا دعایش مستجاب خواهد شد، اگر خواسته او گناه یا قطع رحم نباشد». (وسائل‌الشیعه، ج۱۴، ص۵۶۹)

در برخی از آن‌ها ثواب‌هایی نقل‌شده که نشان از برتری این زیارت بر زیارت حرم حضرت امام حسین(ع) دارد:

۱- علی بن مهزیار نقل می‌کند: از امام هادی(ع) پرسیدم: فدایت شوم زیارت امام رضا(ع) افضل است یا زیارت امام حسین(ع)؟ آن حضرت فرمود: «زیارت پدرم افضل است؛ زیرا امام حسین(ع) را هر گروهی از مردم زیارت می‌کنند ولی پدرم را زیارت نمی‌کند مگر شیعیان خاص و خالص ما». (الکافی علامه کلینی). این روایت با کمی تغییر در منابع دیگر نیز وجود دارد. (تهذیب‌الاحکام شیخ طوسی).

۲- محمد بن سلیمان نقل می‌کند: از امام جواد(ع) در مورد مردی پرسیدم که برای انجام حج تمتع داخل مکه شد و خداوند بر انجام حج و عمره او را کمک کرد؛ سپس به مدینه رفت و بر رسول خدا(ص) سلام داد و آن جناب را زیارت کرد. پس از آن به زیارت شما آمد؛ درحالی‌که به حق شما عارف بوده و می‌داند شما حجت خدا بر مخلوقات هستید. همچنین توجه دارد شما همان دری هستید که شخص برای توجه به خداوند باید از آن وارد شود و به شما سلام داده و زیارتتان کند. سپس به زیارت اباعبدالله‌الحسین(ع) رفته و به آن حضرت سلام می‌دهد. آنگاه به بغداد رفته و بر امام موسی بن جعفر(ع) سلام می‌دهد. سپس به شهر خودش مراجعت می‌کند و پس از رسیدن موسم حج، خداوند متعال دوباره حج را روزی او می‌کند. حال بفرمایید کدام‌یک از این دو افضل و برتر هستند؟ حجی که به‌جا آورده و برگشته و دوباره حج روزی او شده یا به خراسان رود و پدر بزرگوارتان علی بن موسی(ع) را سلام داده و زیارت کند؟

حضرت امام جواد(ع) در پاسخ فرمودند: «بهتر آن است به خراسان رود و بر پدرم امام رضا(ع) سلام داده و آن جناب را زیارت کند و شایسته است این زیارت را در ماه رجب انجام دهد، ولی امروزه به آن مبادرت نکند؛ زیرا هم بر ما و هم بر شما از ناحیه سلطان ترس و بیم بوده و ممکن است در معرض اذیت و آزار قرار گیریم». (کامل الزیارات ابن قولویه)

خواننده بزرگوار و ولایی این سطور بداند با مختصر روایاتی که از بعضی از ائمه هدی(ع) ایراد شد، در لزوم زیارت حضرت ثامن‌الحجج(ع) ثواب بسیار زیادی ذکر شده و همان گونه که ملاحظه فرمودید بعضی از روایت‌ها افضل بودن زیارت امام رضا(ع) بر زیارت حضرت امام حسین(ع) را تأکید می‌کند، زیرا به فرموده امام جواد(ع): زیارت پدرم افضل است؛ زیرا امام حسین(ع) را هر گروهی از مردم زیارت می‌کنند ولی پدرم را زیارت نمی‌کند مگر شیعیان خاص و خالص ما. در این میان قطعاً عاشقان و والهان ایرانی بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج(ع) کوتاهی نکرده و نخواهند کرد و همواره موج عاشقان آن آستان قدسی باوجود گرانی‌ها و سختی‌های خاص، روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود.

باید اشاره‌ای داشته باشم به تمامی شیعیان جهان، آن عاشق اهل بیت عصمت و طهارت(ع) که با سختی‌های ویژه و تحمل بار سنگین سفر و غیره دست از این استحباب قریب به وجوب زیارت حضرت ثامن‌الحجج(ع) بر نداشته و نخواهند داشت.

اینجانب چون حدود ۵۰ سال مقیم کشور برادر سوریه هستم، عزیزان و عاشقان شیعی و بعضاً از برادران اهل تسنن را می‌بینم که با چه ذوق و شوقی خود را مهیا می‌کنند انفرادی و گروهی به پابوسی غریب توس و انیس‌النفوس بشتابند.

المومن
لا یمضی
علیه
اربعون
لیلة الا
عرض له
امر یحزنه
یذکر به

چهل شب بر بنده مؤمن نگذرد مگر اینکه واقعه‌ای برایش رخ دهد و او را غمگین سازد و به واسطه آن متذکر شود.

بدون اتلاف
وقت آگهی‌تون
رو سفارش بدید

فقط لازمه
به‌شماره‌همراه
0902 00 370 88
در یکی از شبکه‌های اجتماعی
درخواست آگهی‌تون رو بفرستید.
بقیه کارها با ما
090 200 370 88